

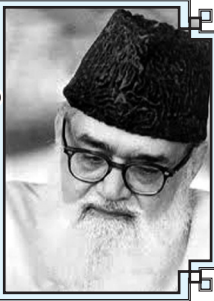
هشدار امام!

«...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد ... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما برای خدا است ما برای مصالح اسلامی دعوا می‌کنیم... دعوی من و شما و همه کسانی که دعوا می‌کنند همه برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



امام خمینی (ره)
«ابوالاعلی مودودی»
را افتخار امت اسلام
می‌دانست
آیت الله اراکی

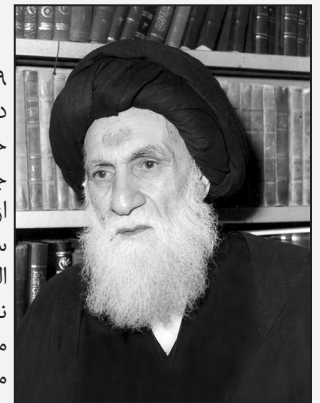


سال سی و نهم ♦ شماره ۱۱ ♦ شماره مسلسل ۱۵۷۷ ♦ نیمه اول شهریور ماه ۱۳۹۷ ♦ قیمت: ۵۰۰ تومان ♦

بمناسبت سی و پنجمین سالگرد عروج ملکوتی نگاهی اجمالی به سطرهایی از زندگانی مرجع عالیقدر مرحوم آیت الله العظمی حاج سید عبدالله شیرازی (قدس سره)

آغاز زندگی

معظم له در شب یکشنبه ۱۳ شعبان ۱۳۰۹ هـ. ق برابر ۳ اسفند ۱۲۷۱ هـ. ش در بیت علم و فضیلت و کانون گرم خانواده‌ای اصیل در شهر شیراز دیده به جهان گشود و در دامن پاک مادری علویّه از سلاله فاطمه زهرا (سلام الله علیها) و تبار سرور آزادگان و سالار شهیدان ابی عبدالله الحسین (علیه افضل الصلوة والسلام) و زیر نظر والد گرامیش فقید سعید مجاهد عالی مقام مرحوم آیت الله العظمی حاج سید محمدطاهر موسوی شیرازی که از فقهاء بزرگ و اعظم علماء شیراز بود، پرورش و تربیت یافت، و درس‌های نخستین زندگی را که شالوده شخصیت علمی و معنوی و انقلابیش بود فرا گرفت و در آن هنگام که سن مبارکش به ده سال نرسیده بود، ادبیات فارسی و فرهنگ اصیل قرآنی را فرا گرفت و با جدّیت فراوان به تحصیل خود ادامه داد تا به مراحل عالیّه سطح رسید و سطح عالی و مقداری از خارج فقه و اصول را در خدمت اساتید ارجمندش مانند آیت الله شیخ علی ابوالوردی و آیت الله میرزا محمدصادق مجتهد شیرازی و آیت الله حاج شیخ محمدرضا ثامنی تلمذ نمود.



در اوائل سال ۱۳۳۰ هـ. ق در سن ۲۱ سالگی به دنبال مبارزه سرسختانه والد ماجدش آیت الله العظمی سید محمدطاهر (رحمه الله) علیه استبداد قاجار و نفوذ استعمار پیرانگلیس به همراه پدرش برای مدت شش ماه به سیوند (بین شیراز و اصفهان) تبعید شد و در این مدت با شور و شوق و اراده‌ای راسخ در مکتب آن پیر خرد و حکمت به فراگیری علمی در زمینه آموزهای دینی و سیاسی پرداخت. و در مبارزه با طاغوت عصر خود و ستمگران وقت، بهترین یار و معین برای پدر بود و در ارتباط با همین واقعه بود که در پاسخ به عمال نظام حاکم که خواستار اخذ تعهد به منظور بازگرداندن او از تبعیدگاه به شیراز بودند، فرمود: دین یعنی پیاده کردن برنامه‌های اصلاحی و مصلح هرگز از تبعید و زندان و مرگ نمی‌هراسد.

حرکت آیه الله العظمی شیرازی به سوی نجف اشرف در سال ۱۳۳۳ هجری قمری

آیت الله العظمی شیرازی (رحمة الله تعالی علیه) پس از گذراندن دوره تبعید و بازگشت به شیراز همچنان به درس و تدریس و فراگیری و تربیت طلاب فاضل حوزه علمیه ادامه داد، تا آنجا که استاد بزرگوارش برای وی گواهی اجتهاد صادر نمود و درباره ایشان فرمود: «... آقا سید عبدالله احتیاج به نجف رفتن ندارد».

در سال ۱۳۳۳ هـ. ق پس از طیّ مراحل از درس خارج در حوزه علمیه شیراز به منظور درک مراتب عالیّه اجتهاد و فقاقت به نجف اشرف عزیمت کرد و از محضر پرفیض اساطین اجتهاد و فقاقت و ارکان فقه و اصول و اساتید و مراجع بزرگ وقت همچون مرحوم آیه الله العظمی آقا ضیاء الدین عراقی، آیه الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی و آیه الله العظمی میرزا محمدحسین نائینی و زمان کوتاهی در محضر آیه الله العظمی حاج شیخ محمدحسین اصفهانی (رضوان الله تعالی علیه) (اجمعین) استفاده نمود.

ایشان پس از آنکه در چندین مرحله کتاب‌های کفایه و مکاسب و رسائل را در حوزه علمیه نجف اشرف تدریس کرد، سرانجام به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت و شاگردان مبزز و دانشمندی را تربیت نموده و آنان را به جامعه اسلامی تحویل داد که هر يك از آنان امروز مشعلی فروزان در قطری از قطار می‌باشند.

دوران تلمذ آیت الله العظمی شیرازی (قدس سره) در محضر حضرت آیت الله العظمی آقا ضیاء الدین عراقی (قدس سره) سیزده سال به طول انجامید و معظم له حدّ اعلای اعتقاد را به علمیت این استاد داشت و شیفته مبانی اصولی او بود، و بر همین اساس منتهای علاقه و ارادت را به این استاد بزرگوار داشت، همچنان که استاد نیز در میان صدها شاگرد مبزز که در حوزه درس او و زیر منبرش بودند، به این شاگرد علاقه وافری داشت و به وی پناه می‌داد و احترام می‌گذاشت و در درس و مباحثات و مشاجرات فقهی و اصولی اجازه اظهار نظر علمی می‌داد.

ادامه در صفحه ۲

امام علی علیه السلام و مردم صاحب حق

آیت الله محقق داماد

صفحه ۸



شیخ زکزاکی هم چنان از درمان محروم است؛ وهابیون بر حکومت نیجریه نفوذ دارند

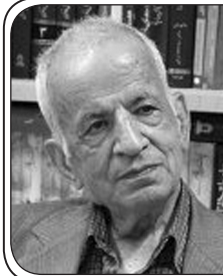
صفحه ۶



دکتر مهدی محقق:

در کشور فقیر مصر برخی کتاب ۱۸۰ هزار تیراژ دارند

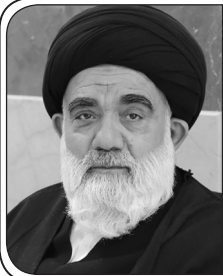
صفحه ۸



اثری از آیت الله میر تقی حسینی مکرانی

نگاهی نو و انتقادی به «سبک‌ها و روش والگوی آموزش دروس خارج»

صفحه ۳



آشنایی با خاندان دوزدوزانی؛

استادی با هفتاد سال سابقه تدریس

سید هادی خسروشاهی

آشنایی اینجانب با آیت الله شیخ محسن غروی نجفی. معروف به دوزدوزانی. به بیش از شصت سال قبل و به دوران اقامت و تحصیل در تبریز برمی گردد. در آن دوران، پدر ایشان، مرحوم آیت الله حاج میرزا محمود دوزدوزانی، رفاقت و دوستی صمیمانه‌ای با پدر اینجانب آیت الله حاج سید مرتضی خسروشاهی داشت و هر هفته در جلسات جمعی علمائی - یا خصوصی و در منزل یکدیگر - حضور داشتند که همواره با بحث و نقاش جدی درباره مسائل علمی: فقه، اصول و یا تفسیر و حدیث. همراه بود و این بنده از بحث و جدل! طولانی آن



تهذیب آنان، اشراف داشتند. یکی از بزرگان این گروه، آیت الله میرزا محمود غروی (نجفی) مشهور به «دوزدوزانی» فرزند آیت الله میرزا محمدحسن حسن معروف به «فخر العلماء» بود. آیت الله میرزا محمود دوزدوزانی، در روستای دوزدوزان، از توابع شهرستان سراب، دیده به جهان گشود. دوزدوزانی، به عرض جغرافیایی ۳۷/۵۷ و طول جغرافیایی ۴۷۰۷ از شهرهای سراب و واقع در میانه راه بستان آباد و سراب، واقع شده است.

خانواده دوزدوزانی، به تعبیر علامه آیت الله میرزا عبدالله مجتهدی «از خاندان‌های علم بودند و از جمله شخصیت‌های این خانواده مرحوم آیت الله میرزا محمود دوزدوزانی بود.» (کتاب بحران آذربایجان، خاطرات آیت الله مجتهدی، ص ۴۷)

... خاندان دوزدوزانی از جمله مرحوم حاج میرزا محمود آقا، صاحب املاک و زمین کشاورزی، زراعت و باغ بودند و خود از کشاورزان مطرح در منطقه بشمار می‌رفتند. این خانواده بعدها به تبریز منتقل شده و در محله «پل سنگی» سکنی گزیدند.

میرزا محمود آقا مقدمات علوم و دروس ادبیات عربی را در نزد پدرش «فخر العلماء» میرزا محمدحسن، فرا گرفت و سپس در دروس «سطح» از عالمان بزرگ تبریز استفاده کرده و پایه‌های علمی خود را تقویت نمود و سپس برای تکمیل آموزش علوم اسلامی عازم عتبات مقدسه و حوزه علمیه نجف اشرف گردید و در جوار مرقد مطهر امیرالمؤمنین علی علیه السلام، از محافل علمی مراجع بزرگ وقت استفاده کرد. آقا میرزا دوزدوزانی از محضر عالمان بزرگی بمانند:

۱. سید ابوالحسن اصفهانی

۲. شیخ احمد کاشف الغطاء

۳. شیخ مهدی مازندرانی

۴. شیخ علی خطابی

کسب فیض کرد و در سایه تلاش فراوان، به درجه اجتهاد و استنباط احکام نائل آمد و از مرحوم آیت الله اصفهانی، شیخ احمد کاشف الغطاء و آیت الله شیخ عبدالکریم حائری، اجازه اجتهاد دریافت نمود.

ادامه در صفحه ۴

ادامه از صفحه اول

در فراگیری علوم حوزوی آنچنان با اشتیاق در درس شرکت می‌کرد و با اساتید به بحث و مناقشه می‌پرداخت که ایشان در بیان خاطرات دوران تحصیلاتش فرموده‌اند: «اینقدر با استاد کلنجار می‌رفتم تا مسئله حلّی شود و گاهی به قدری این مشاجره طول می‌کشید که استاد می‌فرمود: نفسم را بریدی...».

به خاطر آن مجاهدت‌ها و تلاش در کسب فضائل بود که در فاصله‌ای نه چندان زیاد یکی از چهره‌های بارز و مشخص حوزه علمیه نجف اشرف و زبانزد خاص و عام گشت و در عین حالی که به این مرحله رسیده بود در جلسات درس اساتید بزرگ خود شرکت می‌نمود.

معظم له پس از سیزده سال اقامت در نجف اشرف و فراگیری‌های شایسته از اساتید بزرگ و طی نمودن مدارج فقه و فقاقت به منظور ایفای رسالت خطیر دینی خویش و رسیدگی به وضع حوزه علمیه شیراز و بررسی اوضاع خطّه گسترده فارس در سال ۱۳۴۵ هـ. ق از نجف اشرف به شیراز بازگشتند.

و به هنگام ترك نجف اشرف، از سوی استاد الفقهاء والمجتهدین مرحوم آیت الله العظمی عراقی (قدّس سرّه) اجازه اجتهاد مطلق و عدالت تأمّه و گواهی رسیدن به عالی‌ترین مراحل فقهی و اصولی به وی داده شد.

آیت الله العظمی شیرازی (قدّس سرّه) پس از ورود به شیراز به جنبه‌های علمی طلاب حوزه و مدارس علمیه و اوضاع دینی شهر که در اثر روی کار آمدن رژیم قلد ررضاخان وضع آشفته‌ای به خود گرفته بود، پرداخته و به آن سرو سامان دادند و از طرف دیگر در ارتباط با نقشه‌های شوم و جنایتکارانه رژیم پهلوی اول، که ماهیت تضادّ با اسلام را دارا بود با دیگر علمای اعلام و فقهای بزرگ شیراز و اصفهان و قم و به زعامت مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی مؤسس حوزه علمیه قم، به امراضاگری و بیدار نمودن مردم پرداختند تا آنجا که جنبه وسیع و عظیم مخالفین رژیم پهلوی متشکل از کلیه طبقات ملت صورت گرفت و قم پایگاه مهمّ علمی و اسلامی، مرکز تجلی این تلاش‌ها و کوشش‌ها بود. بر این اساس و پس از تبادل نظرهای میان علماء و رهبران مذهبی، آیت الله العظمی شیرازی (قدّس سرّه) مصمّم به سفر به مشهد مقدّس شدند که در آنجا با مرحوم آیت الله العظمی حاج آقا حسین قمی و مرحوم آیت الله العظمی سید یونس اردبیلی (رحمة الله تعالی علیهما) مذاکراتی انجام داده و تصمیم قطعی را اتخاذ نمایند.

حرکت به سوی مشهد مقدّس

آیت الله العظمی شیرازی (قدّس سرّه) اواخر محرم الحرام سال ۱۳۵۴ هجری قمری پس از پایان مذاکراتش با رهبران مذهبی و علمی حوزه علمیه قم بالأخصّ مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری مؤسس و بنیانگذار حوزه به طور غیر علنی وارد مشهد مقدّس شدند و لدی الوصول پس از تشرّف به زیارت مرقد مطهر و منوّر حضرت ثامن الائمه ابی الحسن علی بن موسی الرضا (صلوات الله وسلامه علیه) با آیت الله العظمی حاج آقا حسین قمی و آیت الله العظمی حاج سید یونس اردبیلی (رحمة الله علیهما) دیدار مفصلی نموده و پیرامون اوضاع جاری کشور تبادل نظر نمودند و برای اتخاذ موضعی سرسختانه و غیر قابل انعطاف تصمیم جدّی و قطعی گرفتند که در این تصمیم‌گیری دیگر علماء مبزّز شهر مقدّس

مشهد همراه و همفکر بودند.

تجلی این موضع‌گیری جدّی، دعوت از همه اقشار مردم جهت تحصّن در مسجد گوهرشاد و خلاصه آن تحصّن، حادثه خونین مسجد گوهرشاد بود که در اثر حمله دد منشانه عمّال جنایتکار رژیم پهلوی با فجیع‌ترین وضع به متحصنین رخ داد و در اعقاب آن دستگیر نمودن هشت تن از مبزّزترین علماء و فقهاء مشهد مقدّس بود.

دستگیری آیت الله العظمی شیرازی (رحمة الله) و آیت الله العظمی حاج سید یونس اردبیلی (رحمة الله) و دیگر علماء بزرگ، موج وسیعی از خشم و نفرت مردم مسلمان ایران و دیگر کشورهای اسلامی پدید آورد و ملت مسلمان ایران را برای يك مقابله جدّی با نظام دیکتاتوری رضاخانی آماده کرد و تحزّکاتی در کشورهایی همانند هند، پاکستان و افغانستان رخ داد و اقداماتی از سوی علماء این بلاد صورت گرفت تا آنجا که شاه قلدر مجبور به مبادرت به آزاد نمودن بزرگان دین نمود.

آیت الله العظمی شیرازی (قدّس سرّه) پس از آزادی از زندان رضاخان قلدر در تهران، در روز سه شنبه ۲۸ رجب المکرم ۱۳۵۴ هجری قمری برابر با چهارم آبان ۱۳۷۴ شمسی وارد شیراز شد و پس از گذشت يك سلسله مراسم، برنامه‌های وسیع الأطراف خود را از سر گرفت.

با گذشت چند ماهی مجدّداً مسئله کشف حجاب به نحو علنی و عمومی مطرح گردید و رژیم جنایتکار پهلوی تمهیداتی را برای تحقیق یافتن این برنامه ضدّ اسلامی آغاز نمود.

آیت الله العظمی شیرازی (رحمة الله) که از این وضع شدیدترین عذاب روحی را متحمّل شده و راهی برای قیام و انجام وظیفه، مقابله و مبارزه نمی‌یافت هجرت از شیراز را بر تداوم اقامت در آن شهر ترجیح داد.

تصمیم آیت الله العظمی شیرازی (ره) بر ترك شیراز و مراجعت به نجف اشرف

در هر صورت ایشان تصمیم به مراجعت به سوی نجف اشرف گرفت ولی این سفر با سفر گذشته تفاوت بسیار داشت؛ زیرا در سفر قبلی ایشان برای تحصیل علوم و معارف اسلامی و به دست آوردن مدارج عالی اجتهاد و فقاقت، راهی آن سرزمین مقدّس شده بود؛ اما این بار در مقام عالمی جلیل القدر و فقیهی نامدار و مجاهدی نستوه و استادی جامع که باید بر کرسی درس تکیه زند و به پرورش محضّان و امر مقدّس آموزش و تعلیم و هدایت جامعه همّت گمارد، به نجف اشرف آمده بود.

آیت الله العظمی شیرازی (ره) با این احساس و هدف در پایگاه عظیم علمی نجف اشرف، استقرار یافته و به تلاش‌های علمی و مبارزاتی پرداخت و مورد احترام و تجلیل مراجع معظم تقلید و زعمای حوزه، همچون آیات عظام اصفهانی، نائینی و عراقی قرار گرفت، تا آنجا که در اتخاذ تصمیمات اساسی در مورد حوزه از سوی ایشان، ایشان یکی از طرف‌های شور و اظهار کنندگان نظر قاطع در کنار دیگر علمای بزرگ همانند حضرات آیات: مرحوم حاج شیخ محمدکاظم شیرازی، مرحوم حاج سید میرزا آقا اصطهباناتی، مرحوم حاج شیخ موسی خوانساری، مرحوم حاج شیخ محمّدعلی کاظمی و دیگر استوانه‌های عظیم حوزه بود.

بحث و تدریس، تألیف و تصنیف

آیت الله العظمی شیرازی (ره) به تلاش علمی در دو بُعد بحث و تدریس و تألیف و تصنیف، در سطح گسترده‌ای ادامه می‌داد و کتبی که در فقه

بمناسبت سی و پنجمین سالگرد عروج ملکوتی

نگاهی اجمالی به سطرهایی از زندگانی مرجع عالیقدر مرحوم آیت الله العظمی حاج سید عبدالله شیرازی (قدّس سرّه)



بعث و آغاز جنایت‌های حسن البکر و صدام، لحظه‌ای از مبارزه و افشاگری غفلت نوزید بلکه در کنار مرحوم آیت الله العظمی سید محسن حکیم (رحمة الله تعالی علیه) در برابر رژیم ضدّ اسلامی و دیکتاتور سفاک بعث موضعی قاطع اتخاذ نمود.

تصمیم آیت الله العظمی شیرازی (ره) بر مهاجرت از عراق

معظم له در سال ۱۳۵۴ ش پس از يك عمر مبارزه همه جانبه با رژیم‌های حاکم بر عراق بخصوص رژیم ضدّ اسلامی و سفاک حزب کثیف بعث که از هیچ جنایتی فروگذار نکرد، به عنوان يك مبارزه منفی و مقابله سنگین و وارد نمودن يك ضربه شدید و کوبنده، تصمیم بر مهاجرت از نجف اشرف و بیرون شدن از عراق گرفت و به هنگام ترك نجف اشرف اعلام فرمود: «می‌خواهم صدای ملت مسلمان و مظلوم و ستمدیده و رنج کشیده عراق را به جهان و جهانیان برسانم و مسلمانان جهان را علیه رژیم ضدّ اسلامی و غفلتی حاکم بر عراق به حرکت درآورم».

بر این اساس حتی با توجه به ممانعت شدید و جلوگیری رژیم جنایتکار بعث از این حرکت، معظم له در اواخر آذرماه ۱۳۵۴ نجف اشرف را پس از ۶۳ سال اقامت در آن ترك نمود و راهی ایران گردید و پس از طیّ مراحل در آخرین روزهای دی ۱۳۵۴ ش آیت الله العظمی شیرازی (قدّس سرّه) وارد شهر مقدّس مشهد گردید و در جوار مرقد مطهر و منوّر و ملکوتی و مضجع پاك حضرت ابی الحسن علی بن موسی الرضا (صلوات الله وسلامه علیه) رحل اقامت افکند و بساط عهده‌داری مسئولیت جامعه اسلامی و برافراشتن پرچم خدمت به جامعه شیعه را گستراند و به حکم موقعیت زعامت حوزه علمیه و مرجعیت عامّه تقلید، ضمن اشتغال به پرورش و تربیت صدها نفر از فضلاء و عناصر بارز حوزه و تدریس و تألیف کتب علمی، پرچم مبارزه علیه طاغوت را به دوش گرفت و همگام با امام خمینی (قدّس سرّه) قاطعانه به مجاهدات و مبارزات و بسیج افکار عمومی علیه رژیم پهلوی و نقشه‌های شوم استعمار ادامه داد، تا با اراده خداوند متعال و استعانت از ولی الله الأعظم امام عصر (عجل الله تعالی فرجه) انقلاب شکوهمند اسلامی به پیروزی رسید.

تهذیب نفس و خودسازی آیت الله العظمی شیرازی (ره)

مرحوم آیت الله العظمی شیرازی (قدّس سرّه) شاگرد تربیت شده مکتبی است که مبارزه با زشتی‌ها و زشت سیرتان را در متن زندگی قرار می‌دهد. ایشان در زمینه زهد و پرهیز از زخارف و زیورهای دنیوی و تمسک به عبادت و بندگی و خدمت به بندگان حق تعالی لحظه‌ای غفلت نوزید، و لذاند آخرتی را بر جرعه ناچیز لذت دنیا ترجیح می‌داد.

همجواری مستمّر با مولای متقیان امیرالمؤمنین (علیه السلام) در نجف اشرف تأثیرات شگرف خود را در روح بلند این مرجع تقلید بخشیده بود و لذا معتقد بود که اساس و پایه رشد و تکامل روحانیت در معنویت نهفته است و ما باید از زندگی اثمّه اطهار (علیهم السلام) درس عملی بگیریم و زهد و ورع را پیشه خود سازیم.

آیت الله العظمی شیرازی (قدّس سرّه) در مورد روحانیونی که افتخار اشتها به شاگردی مکتب مقدّس و پرافتخار امام صادق (علیه السلام) و نوکری و سربازی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) را دارند، به سه اصل اهمیت فوق العاده

مردم مسلمان مشهد مقدّس و همچنین مردم دیگر شهرهای کشور که به منظور شرکت در مراسم تشییع به مشهد مقدّس آمده بودند به سوی بیت آن فقید سعید روی آورده تا آنجا که خیابان‌های اطراف مملوّ از جمعیت شده و راه عبور و مرور بر مردم بسته شد. در ساعت ۹ صبح پیکر پاک و مطهر آن فقید سعید بر دوش ده‌ها هزار نفر به سوی حرم مطهر حضرت علیّ بن موسی الرضا (ع) حمل گردید و مراسم نماز میت بر پیکر پاک آن مرجع فقید با حضور نمایندگان امام امت و مراجع معظم تقلید قم، و صدها تن از علمای اعلام بلاد مختلف و مشهد مقدّس و انبوه جمعیت مردم شریف مشهد برگزار گردید، همچنانکه مراسم زیارت مرقد مطهر حضرت ثامن الحجج (علیه السلام) به نحو باشکوهی صورت گرفت.

سرانجام پیکر پاک آیت الله العظمی حاج سید عبدالله شیرازی (قدّس سرّه) در ساعت ۱۱:۳۰ روز جمعه ۲/ محرم الحرام ۱۴۰۵ هـ. ق برابر ششم مهرماه ۱۳۶۳ هـ. ق در جوار مرقد مطهر ثامن الائمه (علیه السلام) در کنار مرحوم آیت الله العظمی میلانی (ره) برای همیشه در جایگاه ابدی آرام گرفت.

تهیه و تنظیم: بخش فرهنگی مؤسسه علمی و خبری امام امیرالمؤمنین (ع)
وابسته به دفتر آیه‌الله حاج سید محمدعلی شیرازی

خبر رحلت

خبر رحلت این مرجع عظیم الشان جهان تشیع در نخستین ساعات بامداد روز پنجشنبه نیمه اوّل محرم الحرام از صدای جمهوری اسلامی ایران به گوش ملت ایران رسید، و رادیو برنامه خبری ساعت ۷ صبح را با تلاوت آیه شریفه «إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» و سپس با پخش خبر رحلت ناگهانی ایشان، آغاز نمود و به دنبال آن از سوی خبرگزاری‌ها این خبر به سراسر جهان مخابره شد.

پیام رهبر کبیر انقلاب و دیگر مراجع تقلید

پس از اعلام خبر رحلت آن مرجع بزرگوار در آن ساعات اوّل صبح که به یکباره ملت مسلمان ایران و دیگر ملل مسلمان را غرق در ماتم و اندوه ساخت، پیام مهمّ رهبر معظم انقلاب امام خمینی (قدّس سرّه) از رادیو قرائت گردید، و امام بزرگوار طی این پیام ضمن عرض تسلیت این مصیبت عظمی به پیشگاه حضرت ولیّ عصر (ارواحنا له الفداء) و مسلمین جهان، فقدان آن مرجع بزرگوار را ثلّمه‌ای بزرگ بر اسلام و مسلمین خواندند و یادآور شدند که این ضایعه جبران ناپذیر است.

متعاقب آن، پیام‌های حضرات آیات عظام مراجع معظم تقلید قم، ریاست محترم جمهور، رئیس مجلس شورای اسلامی، نخست وزیر، و دیگر مقامات کشوری، شورای عالی قضائی، جامعه مدّرتان حوزه علمیه، جامعه روحانیت مبارز تهران، دبیرخانه مرکزی ائمه جمعه، ائمه جمعه شهرستانها، علماء و مدّرتان بلاد به وسیله صدا و سیمای جمهوری اسلامی و روزنامه‌های کشور منتشر گردید.

تشییع پیکر پاک

از ساعات اوّل صبح جمعه ده‌ها هزار تن از

ولذا آن مرجع بزرگ خود عملاً حدّ اعلاّی زهد را در حیاتش دارا بود. هیچ وقت لباسی برتر از لباس معمولی طلاب متوسط حوزه به تن نمی‌کرد، هیچ‌گاه اجازه نداد که اطاق مسکونیش حتی فرش ماشینی داشته باشد، و زمانی که اقامتگاه خود را به عنوان حسینیه وقف نمود، تعدادی فرش ماشینی با نرخ رسمی به وسیله اداره اوقاف تهیه و وقف حسینیه شده بود، وقتی از ایشان اجازه خواستند که با توجّه به سردی هوا دو قطعه فرش ماشینی در اتاق مسکونی‌تان پهن شود، فرموده بود: «می‌خواهید در این آخر عمر وضع زندگی مرا تغییر دهید و آن را اعیانی نمایید؟ سبحان الله ... ابداً اجازه نمی‌دهم».

ایشان در زمینه عبادت و تهجّد و پارسائی لبریز از عشق به خداوند و دراز و نیاز معبودش چون عاشقی شیدا عمل می‌کرد، در انجام عبادات مستحبه و دعا و زیارت مداومت فوق العاده داشت، حتی برای یک بار نماز شب را ترك نمود.

پرواز به سوی معبود

و سرانجام آن فقیه عالی مقام و مرجع عالیقدر، مجاهد نستوه و عالم ربّانی، اسطوره زهد و تقوی و شخصیت بزرگوارّی که حدود یک قرن وجود مبارکش منشأ خیر و درخشندگی بود، در ساعت ۱۱:۳۰ شب پنجشنبه مصادف با شب اوّل محرم آغاز سال ۱۴۰۵ هجری قمری برابر ۵ مهرماه ۱۳۶۳ شمسی دعوت حق را لبیک گفت و دیدار معبودش را با جان و دل پذیرا شد و به مصداق آیه شریفه «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّاتٍ» روح پاکش به سوی معشوقش شتافت و در جوار رحمت حق تعالی قرار گرفت.

می‌داد و معتقد بود که روحانیت بیش از هر چیز باید به این اصول پایبند باشد:

۱- تقوی و ورع که حاصل تزکیه نفس و خودسازی است.

۲- اهتمام آکید به اشتغال به امر تحصیل و تقویت بنیه علمی و جذّیت در این امر تا رسیدن به عالیترین مدارج کمال همراه با خلوص نیّت و قصد قربت.

۳- جهاد در راه خدا و ایستادن در برابر ستمگران و ظالمان و طاغوتان، چه اینکه مبارزه با بیدادگری و ظلم و ستم و وقوف در مقابل ظلم و تعدّی اعمّ از اینکه ظلم به احکام الهی باشد یا ظلم به فرد و جامعه، و برپایی عدل و قسط اساس ادیان الهی است و احکام مقدّسه شریعت تحقق نمی‌یابد مگر به پاک نمودن زمین از لوث وجود ظالمین و جنایتکاران.

ایشان می‌فرمود: «اگر در هر مقطعی از تاریخ، فردی از علماء و بزرگان دین مانند شیخ انصاری (رحمة الله تعالی علیه) در زهد و دوری از زخارف پوچ دنیا می‌داشتیم، می‌توانستیم در ترویج مبانی دینی و تثبیت عقاید مردم و پیوند بیشتر آنان با روحانیت عملاً گام‌های بسیار بلندتری برداریم و افسوس که ما کمتر متوجه مسئولیت خطیر و رسالت عظیم خود می‌باشیم».

ایشان می‌فرمود: «یکی از امتیازات روحانیت آن است که این قشر در جهت کسب مادیات حرکت نمی‌نماید چرا که اگر قرار باشد روحانیون نیز همانند دیگر اقشار جامعه در طریق کسب مادیات و تقویت بنیه مالی و تجملات زندگی تلاش نمایند و دائم به فکر تأمین شئون زندگی خود باشند، پس چرا آنان را روحانی بنامند؟»

به مناسبت آغاز سال تحصیلی حوزه علمیه؛

نگاهی نو و انتقادی به «سبک‌ها و روش و الگوی آموزش دروس خارج»

شاگرد محوری، نقاط قوت روش شاگرد محوری، نقاط ضعف روش شاگرد محوری، روش دیکته‌ای و روش بحث و مناظره اشاره کرده است. فصل چهارم با عنوان «الگوهای تدریس عالمان» دربردارنده الگوهایی از کیفیت تدریس برخی مراجع و علما همچون: آخوند خراسانی، آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری، آیت الله العظمی بروجردی، آیت الله العظمی خویی، امام خمینی(ره)، آیت الله خامنه‌ای و آیت الله شهید صدر است.

بخش پایانی و اساسی کتاب را بخش خاتمه تشکیل داده است، مؤلف در این بخش راهکارهای مناسبی برای روش تدریس دروس خارج و تقریر نویسی را ارائه داده و طرح دوره آماده سازی اجتهاد، آثار و فواید آن را بیان کرده است.

بخش‌هایی از کتاب:

درس خارج؛ شامل دو بعد آموزشی و پژوهشی است؛ مقصود از آموزش، در درس خارج؛ آموزش روش اجتهاد است، از این رو استاد گرگانی در فصل دوم ارکان درس خارج را این گونه شرح داده است:

درس خارج، آموزش چگونگی استفاده از منابع برای استنباط احکام، آموزش چینش و ترتیب ادله، آموزش چگونه برخورد کردن با آرا و اقوال و استفاده و از آنها و قرار دادن آنها در مسیر استنباط احکام شرعی است. بنابراین باید موضوع آموزی در درس خارج را به درستی بشناسیم و بدانیم چه کاری انجام می‌گیرد و استاد در درس خارج چه چیز را آموزش دهد.

رکن اساسی درس خارج پژوهش است و این پژوهش در درس‌های دیگر وجود ندارد. آموزش و پژوهش درس خارج، عدل یکدیگرند و هیچ کدام بر دیگر زیادتی ندارد و با هم دیگر مقتزن و مقارن هستند.

آیت‌الله حسینی گرگانی در کتاب «چگونگی تدریس دروس خارج»، نگاهی منتقدانه به سبک‌ها و روش داشته و الگوی آموزش نوینی برای دروس خارج حوزه‌های علمیه معرفی کرده است.

به گزارش خبرگزاری رسا، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان انقلاب اسلامی کتاب «چگونگی تدریس دروس خارج سبک‌ها، روش‌ها و الگوها» نوشته آیت‌الله میرتقی حسینی گرگانی، استاد درس خارج حوزه علمیه قم را منتشر کرد.

نگارنده در چهار فصل با عنوان‌های: پاسداری و بالنده‌سازی علم و اندیشه، فایده‌های مکتب و روش‌شناسی، شیوه‌های تدریس، الگوی تدریس عالمان و یک خاتمه، سبک‌ها و روش و الگوی آموزش دروس خارج حوزه‌های علمیه را معرفی کرده است.

نویسنده در فصل اول به مبادی و پیش نیازهای اجتهاد و تعلیم و تربیت در حوزه‌های علمیه پرداخته و وی در این فصل موضوع‌های اجتهاد مشروع و مستمر، چند توصیه، تعلیم و تربیت یک جریان، یادگیری، منطقی بار آوردن شاگرد، اخلاق تدریس، تدریس کارآمد را بررسی کرده است.

همچنین وی در فصل دوم به تعریف مکتب، روش، سبک و شیوه، درس خارج تاریخ پیدایش دروس خارج، پیش نیازها درس خارج و آسیب‌شناسی درس خارج، فرایند تدریس و هدف از درس خارج برخی از فایده‌های مقارنه را واکاوی نموده است.

همچنین در فصل سوم نگارنده به انواع روش‌های آموزش در قالب عنوان‌های: مدرسه قم و نجف، شیوه اختصارگویی، ساده‌گویی، پژوهش محوری، آموزش تفکر انتقادی، روش تکثیر متن درس، روش حل مسأله، روش گروهی، روش سخنرانی، روش استاد محوری، روش

پژوهش این است که شاگرد شرکت کننده در س خارج می‌خواهد اجتهاد کند و لو دارای کاستی باشد؛ چون استنباط خود یکی پژوهش به حسابی آید پس باید طالب آن، جهد و تلاش نماید و تمرین و پژوهش کند.

نیز باید به جنبه‌های آموزشی استدلال‌ورزی از نوع استنباط و انتقال شیوه آن و پیچیدگی‌های روش‌ها و منهج‌های استنباط توجه گردد. نویسنده در بخش دیگر از این فصل به آسیب شناسی دروس خارج در سه بخش استاد، شاگرد و محتوایی پرداخته است.

استاد حسینی گرگانی در این کتاب آسیب‌های تدریس استادان درس خارج را این گونه برشمرده است: برخی از استادان در جایگاه تدریس خارج نیستند، نداشتن مهارت‌های لازم، پیچیده‌گویی یا بالا بودن سطح و عمق مطالب، مسأله‌گویی به جای آموزش اجتهاد و استنباط.

همچنین نگارنده در بخش آسیب شناسی استاد به این نکات اشاره کرده است که: شاگردهای مجرب و آرموده نیستند، هم کلاس شدن طلبه سالی اولی با کسانی که بیش از ده سال سابقه حضور در درس دارند، به صورت جدی درس نخواندن یا شب امتحان سوالات را خواندن، نداشتن برنامه برای درس خواندن، طلاب بدون شناخت پایانی در مرحله مقدماتی وارد درس خارج می‌شوند.

آیت‌الله حسینی گرگانی نیز گزارش بودن، حافظه محوری به جای تفکر محوری، خالی بودن متون درسی از گفته‌ها و نظرات بزرگان از آسیب‌های محتوایی دروس خارج برشمرده و آسیب کلی درس خارج این گونه بیان کرده است: در نگاهی کلی، می‌توان گفت مباحث و آموزش‌های موجود در حوزه‌های علمیه، از نیازهای جامعه فاصله دارند و توضیح این آن است که اگر به نیازهای جامعه و مردم توجه

کنیم، خواهیم دید که امروزه نیازهای فراوانی در جامعه وجود دارد که باید حوزه پاسخ‌گوی آنها باشد.

اگر اهداف حوزه را بر اساس این نیازها تعریف کنیم، باید توانمندی‌هایی را در نظر بگیریم که بتوانند پاسخ‌گوی آن نیازهای در عرصه نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و مسائل نوپدیدی که در جامعه روی می‌دهد، باشند.

بنابراین، هدف اجتهاد، دیگر محدود به عرصه فقه مرسوم می‌که از قدیم وجود دارد، نمی‌شود.

اگر ما فقه را در عرصه‌های گوناگون وارد کنیم، با توجه به مباحثی از بیرون دین به جامعه دینی عرضه می‌شود و همین طور این مسأله که مذهب شیعه داعیه هدایت مردم را دارد، حوزه شیعی باید در همه عرصه‌ها فعال باشد و نظرش را ارائه دهد؛ چون تفقه در دین شامل همه عرصه‌ها می‌شود.

با توجه به آنچه گفته شد و نیز با مشاهده و ملاحظه محور فعالیت و تلاش حوزه و نیاز جامعه، فاصله بین آنها به روشنی قابل درک و فهم است؛ برای اینکه بخش از نیازها را گرفته و بخش‌های دیگر را رها کرده است و در نتیجه جوابگو نیست و این خود، یکی از بزرگ‌ترین آسیب‌هاست.

یکی از دغدغه‌ها و سؤال‌هایی که فراوان مطرح می‌شود، کارایی نداشتن آموزه‌های طلاب می‌باشد. برای اینکه طلبه وقتی وارد جامعه می‌شود به پرسش‌هایی برمی‌خورد که جواب آنها را در حوزه نیاموخته؛ و نیز آنچه را آموزش دیده است در متن جامعه امروز کاربرد ندارد و اثر مستقیم بر آنها بار نمی‌شود، بنابراین دچار سرخوردگی و دل‌زدگی می‌گردد.

گفتنی است، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان انقلاب اسلامی کتاب «چگونگی تدریس دروس خارج سبک‌ها، روش‌ها و الگوها» را با شمارگان ۵۰۰ نسخه، در ۲۲۵ صفحه و قطع رقعی به قیمت ۱۶۰۰۰ تومان منتشر کرده است.

ادامه از صفحه اول

او در ایام تحصیل در نجف اشرف، با برخی از بزرگان علمی (که آن روزه همدوره‌های او بودند) هم بحث بوده و با هم مباحثه می‌کردند و دروس آموخته را با همدیگر مرور می‌نمودند. شخصیت‌هایی بمانند: سید شهاب الدین مرعشی، میرعلی اکبر مرعشی تبریزی و سید ابوالقاسم خوئی، از جمله این بزرگواران بودند. (گلشن ابرار آذربایجان، تألیف محمد الوانسان، ج ۲، ص ۴۹) معظم له، پس از ۱۲ سال - و به تعبیر فرزندش حاج میرزا محسن دوزدوزانی، ۱۵ سال - اقامت در نجف اشرف به شهر و دیار خود. تبریز. مراجعت کرد و به تعلیم و تربیت طلاب و فضایی آذری پرداخت. او در همین برهه، در مدرسه حسن پادشاه (از مدارس باقیمانده دوره قره قویونلوها و ازون حسن) به تدریس طلاب و مدیریت مدرسه را هم به عهده گرفت. شاگردان و فضایی حوزه درس آیت الله میرزا محمود دوزدوزانی، تعداد زیادی از عالمان و فضلاء معروف را شامل می‌شد که ما از میان آن‌ها، چندین نفر بارز را نام ببریم:

۱. سید حسن قاضی طباطبایی تبریزی
۲. سید عبدالله شبستری
۳. شیخ عبدالحسین امینی (صاحب موسوعه الغدیر)
۴. شیخ عبدالله خواجه ای
۵. شیخ محمدحسین انزابی
۶. شیخ یوسف صباغی
۷. میرزا علی کاتبی (ساکن مرند)
۸. میرزا محسن دوزدوزانی (فرزند ایشان)
۹. میرزا محمد علامی (هشترودی)
۱۰. میرزا محمود انصاری (مدرس متون درحوزه تبریز)
۱۱. میرزا محمود شتربانی
۱۲. میرزا مسلم ملکوتی

درباره مقام و موقعیت علمی و معنوی آیت الله آقا میرزا محمود دوزدوزانی، علماء و بزرگان معاصر، نکات و مطالبی بیان داشته‌اند که به عنوان نمونه به چند مورد اشاره می‌شود:

۱. مرجع والای شیعه حضرت آیت الله سید ابوالقاسم خوئی، خطاب به فرزندش مرحوم حاج میرزا محسن دوزدوزانی فرموده بود: «مرحوم پدر شما سه صفت ممتاز داشت که هیچ کس دیگری غیر از مرحوم شیخ محمدتقی آملی، آنها را حائز نبودند: ۱. غیرت دینی ۲. شجاعت ۳. تدریس. مرحوم دوزدوزانی در این اوصاف ممتاز بوده و به اصطلاح «تک» بود.»

۲. مورخ و نویسنده پرتلاش «ملاعلی واعظ خیابانی» بر اساس زندگینامه «خود نوشت» معظم له، در مورد مرحوم دوزدوزانی، می‌گوید:

«مرحوم آیت الله دوزدوزانی، قبل از مراجعت (نویسنده از نجف) شنیده بودم که ایشان در نجف اشرف بین علماء مشهور و معروف بود و پس از عودت به وطن، جز راستی و درستی و استقامت در وظایف دینی و تکالیف شرعیه چیزی از وی معهود و مشهود نیفتاده (نشده) است.» (علماء معاصرین، صفحه ۲۸۴).

۳. آیت الله حاج میرزا ولی الله اشراقی سراسی، در مقدمه کتاب معروف «تفسیر شاهی» در مورد خاندان دوزدوزانی می‌نویسد: «آیت الله دوزدوزانی، از مشاهیر تبریز بود، به طوری که عموم «مردم» دوست و دشمن، به جلالت مقامش معترف بودند.» (تفسیر شاهی، ج ۲، صفحه ۵، چاپ تبریز)

و به بیان مرحوم استاد شیخ عمران علیزاده: «مرحوم دوزدوزانی در مدرسه حسن پادشاه که در وسط میدان صاحب الامر واقع است فضلاء را دور خود جمع نموده و تدریس می‌کرد. معظم له معروف به شجاعت و نترسی بود و در میان طلاب مدرسه، ابهت مخصوص داشت و صاحب وقار، بود.» (نامداران تاریخ، ج ۲، ص ۳۶۲، چاپ تبریز)

استادی با هفتاد سال سابقه تدریس

در دامن پدر بزرگوارش، تحصیلات خود را از مکتب خانه آغاز کرد... پس از آن به تحصیل علوم دینی روی آورد و تحصیلات نخستین خود در این زمینه را در تبریز و نزد عالمان و استادان وارسته آن دیار شروع کرد... با پشت سر نهادن بخشی از دروس دوره سطح، به حوزه علمیه قم آمد تا از محضر عالمان و استادان آن نیز بهره‌هایی بسیار ببرد. آیت الله میرزا محسن در قم تحصیلات دوره سطح را در قم تکمیل کرد و سپس در درس خارج فقه و اصول بزرگان شرکت نمود.

آیت الله میرزا محسن دوزدوزانی در سال‌های تحصیل خود به محضر عالمان بسیار شرفیاب شد. او دروس مقدماتی و بخشی از سطوح را در تبریز گذرانده بود و در درس شرح لمعه مرحوم آیت الله حاج سید هادی خسروشاهی و مرحوم آیت الله حاج میرزا جواد آقا سلطان القراء حاضر می‌شد. بحثی از رسائل را نیز نزد پدر خود و آیت الله سید حسین قاضی طباطبائی خوانده بود. با ورود به قم در درسهایی رسائل و مکاسب و کفایه الاصول آیت الله مشکینی و آیت الله مجاهدی تبریزی حضور یافت. با تکمیل مرحله سطح در درس‌های خارج فقه و اصول آیات عظام: امام خمینی، میرزا هاشم آملی، سید محمدکاظم شریعتمداری حضور یافت.

معظم له سال‌ها درس تفسیر برقرار نمود و در آن، اقوال گوناگون مفسرین را بررسی می‌کرد. از فعالیت‌های ویژه ایشان در عرصه علمی، عضویت در گروه ممتحنین حوزه بود که این امر سالیان فراوانی ادامه داشته است.

از جمله تألیفات ایشان: تقریرات درس اصول امام خمینی، شرح کفایه الاصول، شرح مکاسب، اجود الشروح در شرح معالم، تلخیص امالی سید مرتضی، حاشیه بر رسائل شیخ مرتضی انصاری و آثار دیگر است. آیت الله میرزا محسن دوزدوزانی از آغاز حضور در حوزه علمیه قم و تلمذ در محضر اساطین حوزه، خود یک استاد فرهیخته در زمینه‌های مختلف علوم اسلامی بود که هفتاد سال تمام ادامه داشت و صدها تلمذ تربیت شده در مکتب درسی ایشان، هم‌اکنون خود از فضلا و علماء درجه یک بلاد و اساتید معروف حوزه‌های علمیه هستند.

حجت الاسلام والمسلمین جناب حسینی بوشهری امام جمعه محترم قم و از اساتید معروف حوزه علمیه که از شاگردان ممتاز آیت الله دوزدوزانی بود در دیداری در مجلس ترحیم آن مرحوم، خاطره‌ای به اینجانب نقل می‌کرد و گفت: «گاهی ایشان در توضیح مطلبی از معالم یا کتاب دیگری یا نصف صفحه از آن را از حفظ می‌خواند و بعد توضیحات خود را بیان می‌کرد و البته این علاوه بر حافظه قوی خدادادی، ناشی از ممارست دائمی ایشان در امر تدریس و تسلط کامل بر موضوع بود.» البته این روش مخصوص حوزه درسی ایشان نبود، بلکه بارها وقتی در محضر ایشان بحثی طلبه ای مطرح می‌کردیم، ایشان در توضیح مطلب، یک ریز! و بدون توقف، گاهی یک صفحه از کتابی را از حفظ برای ما می‌خواند و یکی دو بار، برای خلاصی! اینجانب به شوخی گفتم که انشاء الله بقیه را هم در کلاس درس حضرت‌تعالی استفاده خواهیم کرد!... ***

...آیت الله آقای میرزا محسن دوزدوزانی، به علت کهولت سن و پس از هفتاد سال تدریس، سرانجام در تاریخ ۹۷/۴/۲۱ در قم درگذشت و به رحمت حق پیوست و در بقعه شهید مفتوح در حرم حضرت معصومه (ع) به خاک سپرده شد.

مراجع عظام و بزرگان علماء حوزه علمیه قم، طی بیانیه‌هایی رحلت آن بزرگوار را تسلیت گفته و در مراسم و مجالس بزرگداشت ایشان شرکت نمودند... از خداوند متعال برای ایشان علو درجات و برای شاگردان و بازماندگان و علاقمندان، صبر و سلوی خواستارم.

قم: ۹۷/۶/۱

چهلمین روز درگذشت.

مادر جدا کند!... - مردم مسلمان شهر، با رهبری عالمان دینی، هرگز روی خوش به آن نشان ندادند. و علماء بزرگوار مردم را در مبارزه به تجزیه طلبی و تبلیغات بی‌دینی و ایجاد انزجار و نفرت از وطن فروشان، تشویق می‌کردند.

مرحوم آیت الله دوزدوزانی به وسیله شیخی به نام «خواجه ای» از روستای «بی شک» از منطقه ارسباران (قره داغ) از آخرین اندیشه‌ها و تصمیم‌های فرقه دمکرات، اطلاع می‌یافت و به خنثی سازی نقشه‌های آنها پرداخت. این «شیخ» با هماهنگی مرحوم دوزدوزانی و پدرم، در تشکیلات فرقه دمکرات، راه یافته بود اما در واقع عنصر نفوذی در میان آنها بود. البته پیش از این دوران، و در زمان رضاخان، پدر من و مرحوم دوزدوزانی همراه علماء دیگر، در مسئله «کشف حجاب» و اصلاحات مستبدانه و زور رضاشاهی هم مخالفت می‌کردند.

مشهور است که روزی افسری که همراه همسر بی حجاب اش، در خیابان راه می‌رفت. مرحوم دوزدوزانی او را صدا زده و گفته بود: جناب سرهنگ! من عقد این خانم را برای تو خوانده و محرمش کرده‌ام، نه برای جلوه‌گری بر عموم مردم!!

بعد از آنکه فرقه «دمکرات آذربایجان» شکست خورد و مرگ آیت الله اصفهانی و نحوه عزاداری مردم متدین تبریز. آثار سیاسی خود را در محافل امپریالیسم سرخ استالین، گذاشته بود. استالین با پرخاشگری به سید جعفر پیشه‌وری، پیغام داده بود: شما در طول یکسال گذشته (۲۴ تا ۲۵) دم از سقوط آذربایجان و تبریز می‌زدید و پذیرش مرام کمونیستی را در میان خلق‌ها، نوید می‌دادید. اما چگونه و چطور با وفات یک رهبر دینی و مرجع تقلید، تبریز قیام می‌کند و گرایش اسلامی خود را نشان می‌دهد و نفرت خود را از فرقه دمکرات به جهان اعلام می‌نماید. آری این است «تأثیر نهضت علماء عاشورایی» در خیزش مردم و دفاع از استقلال و تمامیت ارضی کشور!

دیدار شاه

...پس از سقوط فرقه دمکرات و فرار رهبران آن به شوروی، در سال ۲۶، محمدرضا پهلوی، از تبریز دیدار کرد، و با برخورد و ملاقات سرد عالمان رو به رو گردید. مرحوم آیت الله دوزدوزانی، همراه عده ای دیگر از بزرگان علماء چون آیت الله سید مرتضی خسروشاهی، آیت الله میرزا فتح شهیدی، از دیدار با شاه امتناع کردند و به دیدن او نرفتند! و البته چند نفری هم (با منطق خودشان) با او دیدار داشتند!

آثار و تألیفات:

از مرحوم آیت الله دوزدوزانی، چندین اثر و کتاب باقی مانده است که در محافل طلبگی، مورد استفاده فضلا و طلاب بوده است:

- ۱- رساله ذخیره العباد (مطبوع)
- ۲- لبّ الاصل فی مباحث الالفاظ و الاصول العمليه ۳- حاشیه علی العروه الوثقی ۴- کتاب «الطهاره...» ۵- منجزات المریض

بیماری و وفات

آیت الله میرزا محمود دوزدوزانی در ۵۶ سالگی بیمار شد و به دلیل بی اثر بودن معالجه پزشکان تبریز. با بدرقه دوستان و شاگردانش به تهران رفت. متأسفانه در آنجا نیز تلاش پزشکان، نتیجه بخش نبود. سرانجام در ۱۶ ذیحجه الحرام ۱۳۶۸ ق ۱۷ مهرماه ۱۳۲۸ ش، بدرود حیات گفت. پیکر پاک ایشان، طبق وصیت خود، به مشهد مقدس منتقل گردید و در جوار مرقد مطهر حضرت ثامن الائمه ابوالحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام مدفون گردید.

از آیت الله دوزدوزانی دو فرزند پسر به یادگار مانده بود:

۱. حاج محمدتقی دوزدوزانی
 ۲. حاج میرزا محسن دوزدوزانی که چهل روز قبل و پس از هفتاد سال تدریس در قم و تبریز، رحلت نمود و به دیار باقی شتافت که بی مناسبت نیست اشاره کوتاهی هم به زندگی ایشان که از بزرگان خاندان دوزدوزانی محسوب می‌شود، داشته باشیم:
- آیت الله میرزا محسن دوزدوزانی به سال ۱۳۰۷ ش در تبریز، دیده به جهان گشود و طی مراحل کودکی

به بیان و نقل معاصران و شاهدان عینی، مرحوم دوزدوزانی، فقیهی ساده زیست بود و در زندگی روزمره خویش، از هرگونه تشریفات ظاهری دوری می‌کرد. در تهیه مایحتاج معیشتی خویش، چونان مردم عادی، خود زحمت می‌کشید و از دسترنج خویش، استفاده می‌کرد و زیربار منت دیگران نمی‌رفت و از وجوهات شرعیه استفاده نمی‌کرد.

البته ساده زیستی و بی‌آلایش زندگی کردن، همواره از خصوصیات و ویژگی‌های عالمان مردمی بوده است. اگر در دوره قاجار! گروهی از دستار بصران، جزو ثروتمندان و یا ملاکین بوده‌اند، اما عالمان بزرگ، مانند دیگر مردم زندگی می‌کردند و خود را از دیگران متمایز نمی‌دانستند و این از امتیازات و جهات متمایز، عالمان دینی بوده است.

مرحوم آیت الله سید مرتضی خسروشاهی (پدرم) و آیت الله میرزا فتح شهیدی نیز، در ساده زیستن زبانزد مردم بودند و آیت الله حاج سید احمد خسروشاهی (اخوی) که فقیهی جامع بود و در کنفرانس «باغ ملک» شاه عبدالعظیم در جریان ۱۵ خرداد، همراه دیگر علماء حضور داشت. آن چنان ساده زیست و بی‌آلایش بود که بارها می‌گفت: «من با همین مردم متوسط همنشینی دارم لازم نیست که «حاج آقا»‌ها و «پولدارها» دور من، جمع شوند!!» یکی از مقلدان و ارادتمندان آیت الله سید احمد خسروشاهی، مرحوم حاج غلامعلی فرزندی (پدر دکتر غفار فرزندی) نقل می‌کرد که در سال‌های ۴۵ تا ۴۶. ایام رمضان: مبلغ ۵ هزار تومان (شاید حدود ۵۰ میلیون تومان به حساب امروز) پول آوردند (وجوه و یا اهدائی) و آیت الله سید احمد خسروشاهی در عرض چند روز (۲ تا ۳) مجموع آن مبلغ را میان نیازمندان (طلاب و دیگر طبقات) تقسیم کرد.

گفتیم: حضرت آقا، چرا چنین کردید و برای خود چیزی برنداشتید؟ فرمود: ما، دو نفر هستیم. [خودش و همسرش] برای دو نفر خداوند روزی رسان است، باید به وضع زندگی و معیشت، دیگر طبقات رسیدگی کرد که ما در این مورد عندالله، سخت مسئولیم...

اشاره کردم که آیت الله دوزدوزانی در «مدرسه حسن پادشاه»، مدیریت شایسته و بسیار قوی داشت و با صلابت و نفوذ خود، خدمات زیادی به حوزه علمیه تبریز و روحانیت شهر کرد. حدود صد نفر طلبه فاضل تحت نظارت ایشان تحصیل می‌کردند و معظم له هر دو ماه یکبار از آنها امتحان می‌گرفت در آن ایام معمول شده بود: هر طلبه ای که می‌خواست معمم بشود، گرچه در دیگر مدارس ساکن بود، به مدرسه حسن پادشاه می‌آمد و پس از امتحان، به دست آیت الله دوزدوزانی ملیس و مفتخر به لباس روحانی می‌شد.

معاصران مرحوم دوزدوزانی

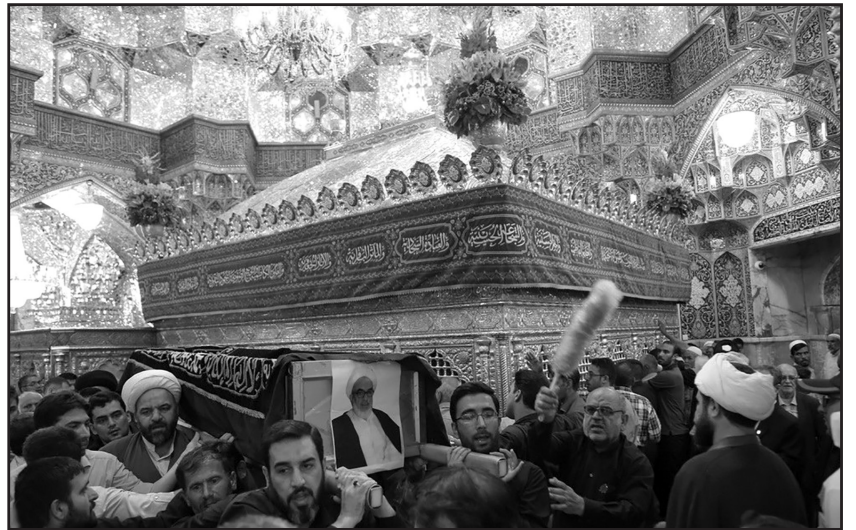
در آن ایام شهر تبریز، از حضور عالمان بزرگی که در حد مرجعیت و صاحب رساله بودند، بهره مند بود. هر کدام از آن‌ها، وزنه‌ای از علم و دارای پایگاه اجتماعی بالایی بودند. این شخصیت‌ها، هر کدام در بخشی از شهر سکونت داشتند و در مسائل اجتماعی، مشارکت می‌کردند که از آن میان به نام چند بزرگوار اشاره می‌کنیم:

۱. آیت الله میرزا فتح شهیدی صاحب «هدایه الطالب الی اسرار المکاسب»
۲. آیت الله حاج سید مرتضی خسروشاهی، عالم وارسته و مذهب و صاحب تألیفات بسیار: (نثرات الکواکب، معنی حدیث الغدیر و...)
۳. آیت الله میرزا ابوالقاسم گرگری، از عالمان مذهب و از شاگردان مبزز آیت الله میرزا صادق آقا
۴. آیت الله سید محمد بادکوبه ای
۵. آیت الله سید کاظم شریعتمداری
۶. آیت الله حاج میرزا عبدالله مجتهدی و...

مبارزات سیاسی اجتماعی

در سال‌های ۲۴ تا ۲۵. که تبریز و منطقه آذربایجان به دست فرقه «دمکرات» افتاده بود و سید جعفر پیشه‌وری با الهام از رفیق استالین، وعده عدالت به مردم می‌داد. اما حکومت رعب و وحشت را در تبریز به پا کرده بود و آذربایجان را می‌خواست از کشور

تصاویری از مراسم تشییع و مجالس ترحیم آیت الله میرزا محسن دوزدوزانی در قم



فرزند رهبر حرکت اسلامی نیجریه گفت پدرش بدون اثبات هیچ اتهامی هم چنان در حبس به سر می برد و از دسترسی به هرامکانات و ارتباطی محروم است.

«شیخ ابراهیم زکزاکی» رهبر شیعیان نیجریه در ماه دسامبر سال ۲۰۱۵ میلادی بعد از حمله ارتش به حسینیة شیعیان و منزل شیخ، دستگیر شد. در جریان این حملات، ده ها نفر از شیعیان نیجریه از جمله فرزند شیخ به شهادت رسیدند و افراد زیادی مجروح شدند. شیخ زکزاکی اکنون در خانه ای بدون امکان دسترسی به پزشک و درمان های پزشکی، و بدون راه ارتباطی به همراه همسر بیمارش، همچنان در حبس است.

خانم «بدیعه زکزاکی» فرزند شیخ ابراهیم زکزاکی درباره وضعیت شیخ زکزاکی و همسرش، همچنین برای صحبت درباره وضعیت شیعیان نیجریه، ساعتی را با خبرنگاران حوزه بین الملل خبرگزاری فارس به گفت و گو نشست. آنچه می خوانید مشروح گفته های خانم زکزاکی در این گفت و گو است.

از دست رفتن بینایی شیخ و عدم اجازه درمان
بدیعه زکزاکی در پاسخ به سوالی درباره شرایط جسمانی و وضعیت سلامتی پدرش گفت که ابتدای ماه رمضان گذشته در نیجریه بوده و توانسته ۴۵ روز کنار پدر و مادرش در خانه ای که در آن حبس هستند، با ایشان زندگی کند. وی گفت شرایط جسمانی شیخ در مقایسه با گذشته بهبود نیافته است. بینایی یکی از چشمان شیخ کاملاً از بین رفته و اکنون چشم دیگر تاری می بیند اما امکان درمان برایش فراهم نشده است. همچنین شیخ به مدت هشت ماه دندان درد شدیدی داشت ولی حتی اجازه رفتن به بیمارستان یا ملاقات با یک دندانپزشک را هم نداشت.

خانم زکزاکی در ادامه گفت، پیش تر شیخ در «زاریا»، در حبس بود اما چند ماهی است که به شهر «کادونا» منتقل شده است.

بدیعه زکزاکی افزود، پیش از انتقال شیخ به کادونا، مادرش (همسر شیخ زکزاکی) نامه ای به مدیر اطلاعات امنیتی نیجریه نوشته و در خواست دیدار با دکتر برای شیخ داده بود اما تا اواخر ماه مبارک رمضان امکان حضور پزشک در محل حبس شیخ فراهم نشد. بعد از حضور پزشک و ویزیت شیخ، وی گفته بود باید شیخ را به بیمارستان منتقل کنند تا عکس گرفته شود و مراحل درمانی انجام بگیرد اما هرگز این اجازه به شیخ داده نشده است و از آن موقع تا کنون هیچ خدمات درمانی برای شیخ انجام نشده است.

عدم اجازه ارتباط شیخ زکزاکی با دنیای بیرون
خانم زکزاکی خاطرنشان کرد، شیخ و همسرش در حال حاضر از هرگونه ملاقاتی محروم هستند و با وجود وضعیت بد چشمان شیخ، وی تحت درمان نیست و پزشکی هم به دیدار ایشان نمی آید. پیش از آن هم اگر گاهی شیخ را به بیمارستان می بردند همان بیمارستان امنیتی حکومت نیجریه بود که هیچ توضیحی درباره بیماری و راه های درمان شیخ نمی دادند.

به گفته فرزند شیخ زکزاکی، وی اکنون در خانه ای تحت بازداشت است ولی حتی اجازه آمدن به حیاط را هم نداشته و تمام این خانه در محاصره ارتش و نیروهای اطلاعاتی و امنیتی نیجریه است. اجازه رفت و آمد به این خانه داده نشده و تمام درهای خروجی قفل است و تنها داخل خانه امکان آمد و شد وجود دارد. ارتباط ایشان با بیرون کاملاً قطع است و اجازه اطلاع از اخبار و وضعیت شیعیان را ندارند. دسترسی به تلویزیون، رادیو، روزنامه و ... ندارند و هیچ تلفنی در اختیارشان نیست. هیچ رابطی وجود ندارد و در شهر کادونا شرایط را برای شیخ نسبت به زاریا سخت تر کرده اند. قبل در زاریا، اطلاعات امنیت، یک گوشی تلفن به شیخ داده بود که بوسیله آن با فرزندان ایشان در ارتباط بودند اما

فرزند شیخ زکزاکی:

شیخ زکزاکی هم چنان از درمان محروم است؛ وهابیون بر حکومت نیجریه نفوذ دارند

روش امام خمینی (ره) را انجام داده و آن مسیر را ادامه دهد.

خانم زکزاکی در ادامه درباره ظلم حکومت نیجریه علیه مردم این کشور گفت، بعد از حمله ارتش به حسینیة و منزل شیخ، حدود دویست نفر دستگیر شدند و حدود سه سال در زندان بودند و سپس دادگاهشان برگزار شد که در نتیجه آن ۹۱ نفر را آزاد کردند چراکه نتوانستند اتهامات علیه آنان را اثبات کنند. بقیه افراد چند ماه دیگر دادگاه دارند و احتمالاً آزاد می شوند و احتمالاً هیچ اتهامی هم علیه آنان یافت نخواهد شد.

خانم زکزاکی در ادامه گفت، مراسم عاشورا و پیاده روی در نیجریه برگزار می شود اما تا دو سال بعد از حمله ارتش نیجریه، باز هم در جریان مراسم اربعین حکومت با حمله دیگری حدود دویست نفر را مجروح و شهید کردند. باز هم سال گذشته حکومت با حمله به شیعیان تعدادی را شهید و مجروح کردند. مراسم ده روز اول ماه محرم در برخی شهرها و یا تمام ماه محرم در شهرهای دیگری یا در برخی شهرها از اول تا اربعین برگزار می شود. برخی شیعیان نیجریه برای پیاده روی اربعین به عراق می روند اما برخی از شهر خود پیاده به زاریا می روند. بعد از اتفاق سال ۲۰۱۵ و حمله حکومت باز مردم راهپیمایی خود را ادامه می دهند. علاوه بر ایران، مسلمانان دیگر کشورها شامل ترکیه اعم از شیعه و سنی از شیخ حمایت می کنند، شیعیان هند و لندن هم از شیخ حمایت می کنند. از پاکستان هم حمایت وجود دارد.

حکومت نیجریه تحت تاثیر عربستان، آمریکا و رژیم صهیونیستی است

خانم زکزاکی افزود، حکومت نیجریه بیشتر تحت تاثیر عربستان، آمریکا و رژیم صهیونیستی است. اگر وضعیت نیجریه را ببینید، متوجه می شوید که حکومت نیجریه بیشتر از این کشورها دستور می گیرد و برای خیلی از اقداماتی که می کند دستور از جای دیگر می گیرد. اصلاً بوکوحرام در نیجریه وجود نداشت و خود حکومت این گروه را تأسیس کرد، اگر در نیجریه بگردید کسی به نام بوکوحرام نیست و این نقشه بوکوحرام نقشه آمریکا و اسرائیل بود. هیچ کس در نیجریه اصلاً نمی داند بوکوحرام کجا بوده؟ این نقشه حکومت با حمایت آمریکا و اسرائیل بود. بوکوحرام هیچ بروز و ظهور اجتماعی ندارند و هیچ کس در نیجریه قبول نمی کند که عضو این گروه است. تسلیحاتی که بوکوحرام در اختیار دارد و امکاناتش از حکومت نیجریه هم بهتر و بیشتر است. پهبادهایی که بوکوحرام استفاده می کند خود حکومت در اختیار ندارد.

نفوذ وهابیون بر حکومت نیجریه

دختر شیخ زکزاکی در ادامه و در پاسخ به سوالی در خصوص نفوذ وهابیون بر حکومت نیجریه خاطرنشان کرد: وهابی ها در نیجریه نفوذ دارند و از طرف عربستان حمایت می شوند. برخی علمای وهابی در نیجریه هستند و تحت حمایت سعودی ها هستند. گاهی به حکومت مشورت هایی علیه شیعه می دهند و در سخنرانی هایشان توهین هایی به شیعیان می کنند؛ تبلیغات علیه شیعیان که مسلمان نیستند و باید خودشان و بچه ها و همسرانشان و حتی حیواناتشان را هم باید کشت. در نیجریه جمعیت کمی وهابی هستند. بیشتر مسلمانان نیجریه اهل سنت هستند و هیچ مشکلی میان شیعه و سنی در نیجریه نیست.

وی در پایان گفت و گو تصریح کرد که شیعیان نیجریه هیچ حزب سیاسی در این کشور ندارند و فعالیت و نماینده سیاسی نیز ندارند. شیعیان هنوز نماینده ای در پارلمان ندارند و حتی نامزد انتخابات هم نمی شوند. به باور خانم زکزاکی این کل سیستم سیاسی نیجریه است که باید تغییر کند.



بزند. اکنون با این اتهام بر اساس قوانین نیجریه فرد یا باید اعدام شود یا تا آخر عمر در زندان بماند.

تظاهرات برای آزادی شیخ در نیجریه ادامه دارد

در ادامه دختر شیخ درباره رهبری و مدیریت شیعیان و حرکت اسلامی نیجریه در دوران حبس شیخ زکزاکی گفت که حرکت اسلامی چندین انجمن مختلف دارد و هر گروه کارهای خودش را انجام می دهد. مثلاً انجمن خواهران یا انجمن دانشجویان و یا انجمن ابوالفضل العباس (ع) که مربوط به جوانان است و یا موسسه شهدا که برای خانواده شهدا و جانبازان است، همه به فعالیت های خود ادامه می دهند. همه تلاش می کنند تا وظایف خود را پیش ببرند. این انجمن ها هر روز در «آبوجا» پایتخت از دوشنبه تا پنجشنبه تظاهرات می کنند و عکس شیخ را در دست می گیرند و آزادی او را خواستار می شوند. جمعه ها هم بعد از نماز تظاهرات می کنند. در مقابل، حکومت گاهی به این تظاهرکنندگان حمله کرده و به جمعیت تیراندازی کرده یا گاز اشک آور پرتاب می کنند و چند نفر را شهید می کنند ولی این تظاهرات هم چنان ادامه دارد.

با شروع حبس شیخ زکزاکی، هیچ چیز متوقف نشده و برنامه ها بعد از حمله ادامه دارد و در شهرهای دیگر نیز فعال هستند، برنامه هایی تدوین کرده و فعالیت خود را انجام می دهند. شیعیان در نیجریه بعد از حمله به حسینیة و منزل شیخ، سختی هایی دارند مثلاً در تظاهرات اگر خانمی با چادر حاضر شود، حکومت نیجریه متوجه می شود که آن ها متعلق به حرکت اسلامی هستند. در واقع شرایط برای همه بویژه برای خانم ها سخت شده با این وجود خانم ها هنوز چادر سر می کنند اما پلیس بیشتر به خانم ها حمله کرده و آن ها را دستگیر می کنند چرا که از نوع حجاب آن ها می فهمند که آن خانم شیعه است.

برخی از اهل سنت نیجریه هم حامی شیخ زکزاکی هستند

خانم زکزاکی در ادامه گفت، نیجریه جمعیتی بالغ بر ۱۸۰ میلیون نفر دارد که از این تعداد، ۱۲ میلیون نفر شیعیان هستند. بعضی از اهل سنت هم در نیجریه از شیخ حمایت می کنند. نیجریه کشوری است که بیشتر مردم از حکومت ترس دارند و افراد کمی درباره ظلمی که به شیخ شده صحبت می کنند چرا که می ترسند دستگیر شوند، بعضی هم با پول خریده شده اند و حرف نمی زنند. کسانی از علمای اهل سنت که تحت حمایت حکومت هستند چیزی نمی گویند حتی می ترسند که به آن ها گفته شود شیعه شدند و یا حامی شیعیان هستند اما برخی دیگر از شیخ حمایت می کنند.

شیعیان نیجریه هرگز دست به سلاح نبرند،

شیخ دنباله روی روش امام خمینی (ره) است

خانم بدیعه زکزاکی تأکید کرد، شیخ زکزاکی هیچ گاه پولی از حکومت نگرفته است، شیعیان اصلاً دست به سلاح نمی برند و هیچ حرکت مسلحانه ای انجام نداده اند. با وجود تمام حملات وحشیانه حکومت و کشتار حکومت اما شیعیان دست به سلاح نبردند. خود شیخ می گوید هنوز وقت آن نیست که حرکت مسلحانه انجام شود. شیخ می گوید قصد دارد

اکنون کاملاً رابطه شیخ با فرزندان ایشان نیز قطع شده است.

بیماری سخت همسر شیخ زکزاکی و عدم اجازه درمان

خانم بدیعه زکزاکی در ادامه درباره وضعیت همسر شیخ زکزاکی گفت که شرایط جسمی وی نیز نامناسب است. گلوله ای داخل شکم همسر شیخ مانده که خوابیدن را نیز برایش بسیار سخت می کند. خانم بدیعه زکزاکی گفت که مادرش از قبل بیماری آرتروز زانو و پا درد شدید داشته اما در حبس اجازه ندارد خارج شده و به

پزشک مراجعه کند و تحت درمان قرار گیرد. همسر شیخ زکزاکی به عمل جراحی نیاز دارد اما حتی اجازه ندارد از سوی یک پزشک حکومتی معاینه شود.

حکم دادگاه برای آزادی شیخ اجرا نشد و حبس ادامه دارد

خانم بدیعه زکزاکی درباره وضعیت پرونده قضایی شیخ گفت، بعد از حمله ارتش، شیخ زکزاکی شکایتی به دادگاه ارائه کرد و دادگاه حکم آزادی ایشان را صادر کرد اما یک سال و نیم از آن زمان گذشت و این حکم اجرا نشد تا این که خود حکومت از شیخ شکایت کرد. در قانون بیشتر کشورها این طور است که باید اول حکم اول را اجرا کرد بعد شکایت دیگری مطرح شود اما حکومت نیجریه بدون اجرای حکم اول، هشت اتهام به شیخ زدند که از آن جمله قتل یک ارتشی بود.

بازی دادگاه برای جلوگیری از لب به سخن گشودن شیخ زکزاکی

خانم زکزاکی گفت، این اقدام [اتهام به قتل] برای این بود که شیخ زکزاکی اجازه صحبت کردن در دادگاه نداشته باشد چراکه بر اساس قوانین نیجریه، محکوم به قتل اجازه صحبت ندارد و باید وکیل از جانب وی صحبت کند. دادگاه و شکایت از شیخ کاملاً بازی حکومت نیجریه است و هیچ مددکی علیه شیخ ارائه نشده است. مردم و فعالان حقوق بشر، بعد از عدم اجرای حکم دادگاه اول معترض شدند و حکومت نیجریه برای اینکه دیگر کسی اعتراض نکند، می گوید پرونده در دست بررسی است و اکنون که جلسه سوم دادگاه باید برگزار شود، مدام به تعویق می افتد.

خانم زکزاکی همچنین اضافه کرد، علاوه بر شیخ زکزاکی و همسر ایشان، دو نفر دیگر با نام شیخ عبدالقادر که اصلاً در زمان حمله ارتش به حسینیة و منزل شیخ، در سودان بوده و آنجا درس می خوانده و در نیجریه نبوده و شیخ یعقوب که در زمان حمله در زاریا نبوده، محکوم شده اند و حکومت بهانه می آورد که این دو نیز باید خودشان را معرفی کنند در صورتی که احضاریه برایشان نفرستاده اند و ضمن به تعویق انداختن دادگاه می گویند که آن دو نیز باید خودشان را معرفی کنند.

وی تصریح کرد: شیخ زکزاکی گفتند که آن ها خودشان را معرفی نکنند چرا که حکومت با این بهانه می خواهد دادگاه را طولانی کند.

شیخ زکزاکی نه درخواستی به حکومت داده و نه شرطی می پذیرد

در ادامه از دختر شیخ زکزاکی درباره خبری پرسیدیم که اخیراً منتشر شده بود مبنی بر اینکه مشاور شیخ درخواست پرداخت وثیقه برای آزادی ایشان داده بودند که این درخواست رد شده و تا ماه اکتبر به تعویق افتاده است. خانم زکزاکی در این باره گفت که پدرشان هیچ درخواستی نداده است و هیچ شرطی ندارد و هیچ شرطی هم قبول نمی کند. اما بر اساس قوانین نیجریه هم اگر به فردی اتهام قتل بزنند باید وکیل بیاورد که حرف بزند و این اتهام را به شیخ زدند تا وی نتواند از خودش دفاع کند چون در دادگاه قبلی شیخ زکزاکی خود به دفاع از خویش برخاست و حکومت می ترسد شیخ حرف

ماموستا محمودی:

اهل بیت نماد وحدت مسلمانان هستند

به گزارش خبرگزاری تقریب، رهبر معظم انقلاب درباره اهمیت و جایگاه عید غدیر و وحدت آفرینی این مساله فرمودند: «نباید طرح مسأله غدیر به جدایی مسلمان‌ها بینجامد مرحوم آقای مطهری (رضوان‌الله‌علیه) مقاله‌ای به نام «الغدیر و وحدت اسلامی» دارد؛ ایشان در آن، این مسأله را تبیین میکند که، طرح مسأله‌ی غدیر، بطور می‌تواند وسیله‌ای باشد برای نزدیک کردن دل‌های مسلمان‌ها به همدیگر. مرحوم علامه‌ی امینی هم عقیده‌ی شیعه را در «الغدیر» اثبات کرده است؛ اما کتاب، بیان، لحن، سلیقه و شیوه‌ی برخورد او با مسأله، طوری است که همه‌ی مسلمین را جذب می‌کند.»

در همین زمینه ماموستا مصطفی محمودی عضو شورای افتاء اهل سنت بعهه مقام معظم رهبری و امام جمعه پیرانشهر در گفت‌وگو با خبرنگار سیاسی خبرگزاری تقریب با اشاره به عیدغدیریکی از بزرگ‌ترین اعیاد اسلامی و مبانی وحدت این روز اظهار داشت: هیچ اختلافی درباره مساله غدیر وجود ندارد و غدیر یک واقعه بزرگ تاریخی و دینی است.

ماموستا محمودی ادامه داد: پیامبر اسلام در بازگشت از مکه و در راه مدینه توقف کردند و در راه نیز امام علی (ع) به ایشان پیوست و پیامبر اسلام به همه دستور توقف دادند. عضو شورای افتاء اهل سنت بعهه رهبری تصریح کرد: پس از توقف همگان پیامبر اسلام دست امام علی (ع) را گرفتند و فرمودند من کنت مولا فلهذا علی مولا یعنی هرکس که من مولای او هستم علی نیز مولای اوست.

وی بر همین اساس یادآور شد: پیامبر تاکید کردند خداوند دوست بدار هرکس که علی را دوست می‌دارد و دشمن بدار هرکس که علی را دشمن می‌دارد.

ماموستا محمودی همچنین ادامه داد: پیامبر در غدیر خم خطاب به مردم گفتند که من از میان شما می‌روم اما دو چیز گرانبها بین شما می‌گذارم که اگر به آنها تمسک بجوید گمراه نمی‌شوید. امام جمعه پیرانشهر بر همین اساس به قرآن و اهل بیت اشاره کرد و گفت: کتاب خدا برنامه زندگی بشر است و اهل بیت نیز مرجع و از لحاظ علمی مورد رجوع هستند که باید مسائل دینی را از آنها گرفت.

وی تاکید کرد: پیامبر اسلام در غدیر خم ولایت امام علی (ع) را اعلام کردند که این یک واقعیت است و این درحالی است که پیامبر برای هیچ‌یک از اصحاب و یاران خود جز امام علی(ع) ولایت‌شان را اعلام نکردند.

ماموستا محمودی با تاکید بر اینکه شیعه و سنی این موضوع را می‌دانند، درباره تفاوت نگاه اهل سنت درباره ولایت بلافضل حضرت علی(ع) گفت: اهل تسنن امام علی را یکی از خلفای راشدیدین می‌دانند که خلیفه برحق است.

عضو شورای افتاء اهل سنت بعهه رهبری همچنین با بیان اینکه برداشت تشیع صرفاً تمسک به امام علی است متذکر شد: اهل سنت برای ۱۲ امام ارزش قائل هستند و آنها را ولی خدا می‌دانند.

وی اهل بیت را نماد وحدت مسلمانان عنوان کرد و گفت: باید همه مسلمانان متحد باشند و به اهل بیت توسل کنند تا دنیای اسلام بر کفار و دشمنان غلبه کند.

امام خمینی(ره)، «ابوالاعلی مودودی» را افتخار امت اسلام می‌دانست

اجرای فقه خود را مطالبه کنند و دولت اسلامی باید به این مطالبه پاسخگو باشد. اما قانون عمومی نباید اینگونه باشد مگر اینکه آن قانون بر اساس مذهب اکثریت آن کشور نوشته شده باشد.»

این همان موضع قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که در ماده دوازدهم قانون اساسی در دو سطح آمده است: اول - سطح عمومی: که مذهب امامیه(مذهب اکثریت مردم ایران) مذهب قابل پیروی در اندک مسائل اختلافی مرتبط با رفتارهای عمومی است که لازم است به صورت یکسان درآید. دوم - سطح محلی: که به اهل سنت اجازه داده شده است تا در محل سکونت خود حق وضع مقررات عمومی بر اساس مذهب خود و در حدود اختیارات شورای محلی را داشته باشند.

شاید موضع این عالم بزرگ اهل سنت و رهبر جریان سلفی، پاسخی قاطع به کسانی باشد که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را با استناد به ماده دوازدهم این قانون به مذهب گرایی متهم می‌کنند!!

این شخصیت بزرگوار مواضع بسیاری مطابق با مواضع قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران داشت که در اینجا فقط یکی از مواضع ایشان در خصوص رهبری در کشور اسلامی را ذکر می‌کنیم: مودودی در کتاب «تجدید الدین و احیائه» بیان می‌کند که رهبر کشور اسلامی باید شروطی داشته باشد: ۱- تشخیص صحیح بیماریهای جامعه ای که در آن زندگی می‌کند ۲- اصلاح این بیماری ها با برطرف کردن جایگاه های فساد ۳- خودآزمایی و تعیین حد و مرز کار و اندازه گیری میزان قدرت و توانایی خود ۴- تلاش برای ایجاد انقلاب فکری و عقیدتی ۵- تلاش برای اصلاحات علمی ۶- اجتهاد در دین ۷- مبارزه و دفاع ۸- احیای نظام اسلامی ۹- تلاش برای ایجاد انقلاب جهانی.

گزارشی از همایش سادات در زاهدان

این امنیت و در سایه دانش و علم به دست آمده و در دست سایه وحدت و انسجامی که امروز ما پرچم دارآن هستیم از سرمایه‌های خود خوب استفاده کنیم. برای مثال نباید اثری از فقر در ایران و سیستان و بلوچستان مشاهده شد. در این چهل سال انقلاب قدم‌های بلندی برای رفع فقر و ایجاد رفاه برداشته شده است اما با قله‌ها و اهداف فاصله زیادی داریم که باید این فاصله‌ها را اجتهاد و تلاش و عظم کوتاه کنیم.

وی در پایان اشاره کرد: امروز جمهوری اسلامی مفتخر است که با همه همسایگان خود در غرب و شرق و جنوب و شمال بهترین روابط را دارد. یکی از نمادهای اقتدار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همین مسئله است، با اینکه دشمن از همه توان خود برای ایجاد اختلاف استفاده کرده است؛ آمریکا به افغانستان و عراق آمد تا دو پایگاه برای خلق اختلاف و فشار بر جمهوری اسلامی ایجاد کند اما این دو کشور به نمادی از وحدت و پیوند با امت اسلام و ملت ایران تبدیل شدند.

وجود ذریه پیامبر (ص) سبب وحدت

حجت الاسلام علم الهدی مسئول امور ایران مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی گفت: در نگاه تقریبی ما مسئله سادات یکی از نمادهای وحدت امت اسلامی است. اگر قرآن کریم و پیامبر اسلام از نمادهای وحدت اسلامی باشند - چیزی که پیروان همه مذاهب اسلامی بر آن اتفاق دارند- در مرحله بعد محبت و مودت اهل بیت و وجود ذریه پیامبر گرامی اسلام است که می‌تواند از نمادهای وحدت امت اسلامی باشد.

وی در ادامه گفت: برگزاری این نشست‌ها و جلسات گامی در جهت رسیدن به این هدف یعنی وحدت جامعه اسلامی است. امروز جمع حاضر برای افتخار و مباحثات به این مسئله یعنی سیادت گرد هم جمع شده‌اند؛ این مسئله به عنوان یکی از اتفاقات و یکی از مسائل متفق علیه همه مذاهب اسلامی است؛ یعنی

ابوالاعلی مودودی عقیده داشت: مذاهب مختلف اسلامی حق دارند بر اساس قانون احوالات شخصی آن مذهب، اجرای فقه خود را مطالبه کنند و دولت اسلامی باید به این مطالبه پاسخگو باشد. در ادامه سلسله یادداشت‌های آیت الله اراکی برای خبرگزاری تقریب، یادداشت اختصاصی دبیرکل مجمع تقریب به مناسبت سالروز وفات ابو الاعلی مودودی تقدیم حضور مخاطبین ارجمند می‌شود: در سپتامبر ۱۹۷۹ میلادی یعنی ۳۹ سال پیش، عالم بزرگ شبه قاره هند و بلکه می‌توان گفت عالم کل جهان اسلام، وفات یافت. ابوالاعلی مودودی در عصر خود به خاطر ارائه رویکرد بازگرداندن عزت و اقتدار مسلمانان در عرصه جهانی، مشهور بود.

یکی از شاخص‌ترین ویژگی‌های مکتب مودودی این بود که از مذهب گرایی رویگردان بود و همچنین روابط بسیار خوبی با علمای شیعه در ایران داشت. در زمان رحلت این عالم بزرگوار، حضرت امام خمینی (ره) با عباراتی از ایشان یاد کردند که نشان از میزان شناخت حضرت امام (ره) از جایگاه این شخصیت داشت. در پیام تسلیت امام خمینی (ره) آمده بود: «ایشان عالمی برجسته و اندیشمندی بود که امت اسلامی به او افتخار می‌کرد... او خدمات بسیار بزرگی در راستای اهداف اسلام و مسلمانان در سراسر نقاط جهان ارائه داد و تنها یک رهبر بزرگ دینی برای مسلمانان پاکستان نبود، بلکه رهبر دینی سراسر جهان اسلام بود... وفات ایشان ضربه بزرگی به جهان اسلام وارد کرد که امکان جبران آن وجود ندارد...».

در زمان این عالم بزرگوار، سر و صدایی در خصوص تصویب قانون اساسی اسلامی برپا شد با این مضمون که قانون اساسی اسلامی بر اساس کدامیک از مذاهب مسلمانان خواهد بود؟! المودودی پاسخ داد: «مذاهب مختلف اسلامی حق دارند بر اساس قانون احوالات شخصی آن مذهب،

نخستین همایش تجلیل از سادات تشیع و تسنن تحت عنوان «خیر کثیر» در سیستان و بلوچستان و با حضور شخصیت‌های تقریبی و صاحب نظران این حوزه برگزار شد.

وحدت نتیجه حرکت بر مدار فطرت

حجت الاسلام و المسلمین ابوترابی رئیس اتحادیه جهانی سادات، در این اظهار داشت: امروز می‌توان با اعتماد و اطمینان بر این نکته تأکید نمود که یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین راهبردهای ما، تحکیم وحدت جامعه اسلام است. وحدت امت اسلام پاسخی به دعوت قرآن کریم و پیامبر اسلام و اهل بیت آن بزرگوار است.

وی در ادامه اظهار داشت: وحدت امت اسلام راه را برای خلق قدرت و دفاع از منافع امت اسلام هموار خواهد کرد و به همین جهت است که در دستور کار دشمنان اسلام، آمریکا و ایادی او و رژیم صهیونیستی خلق اختلاف در جامعه اسلامی است. نماینده سابق مجلس شورای اسلامی گفت: جریان‌های تروریستی مانند داعش برای تضعیف امت اسلام و گسترش اختلاف در دنیای اسلام با مدیریت موصاد و سیا شکل گرفته‌اند اما با دست توانای فرزندان اسلام در عراق و ایران و سوریه ریشه‌های آن‌ها کنده شد.

وی افزود: اختلاف به جسم و طبیعت برمی‌گردد اما روح ما روح الهی است، نفخت فیه من روحی. اگر به روح و حقیقت خود برگردیم خواهیم دید که در آنجا عالم وحدت است نه تفرق. اگر فطرت الهی ما، راه را برای ما تبیین کند، نتیجه آن وحدت خواهد شد.

ابوترابی همچنین بیان داشت: امروز استان سیستان و بلوچستان نماد امنیت در منطقه و جهان است، این امنیت را شما جامعه اهل سنت، شیعیان و شما برادران و خواهران مسلمان این استان در درست کردید. این امنیت نماد اقتدار ماست. باید در سایه

احترام به ذریه پیامبر و انتساب به ایشان و جایگاه ویژه‌ای که ابنای رسول الله در جامعه اسلامی دارند. وی در آخر اظهار کرد: هدفی که از برگزاری این همایش‌ها و آنچه امید به دستاورد آن داریم، این است که اولاً دبیرخانه این مسئله زیر نظر نماینده رهبری ایجاد شود. با این انگیزه که هم سادات اهل سنت و هم سادات شیعه در حقیقت در یک مجموعه‌ای نام نویسی شده و عدد آن‌ها مشخص شوند و نشست‌های مکرر و مسلسل داشته باشیم که در آینده از وجود آن‌ها استفاده کنیم.

بقای دین با ذریه رسول الله است

آیت الله سلیمانی نماینده ولی فقیه و امام جمعه محترم زاهدان نیز گفت: پیامبر گرامی اسلامی برای بقا و نگهداری از دین و برای حفاظت و صیانت از این دین، فرمود: حسین منی و انا من حسین اما یعنی چه؟ چه چیز پیامبر از حسین است؟ اهل دل می‌گویند الاسلام محمدی الحدودث و حسینی البقاء است، تردیدی در این نیست.

فخر راضی در تفسیر سوره کوثر ۱۷ معنا را بیان می‌کند که می‌گوید ۱۶ معنا فقط بیان است و بعد می‌گوید که تنها مصداقی که می‌تواند با این سوره و آیه مطابقت کند، فقط حضرت زهرا است؛ به دلیل اینکه از دامن او علاوه بر سبطین (که او نام نمی‌برد) می‌گوید سجادها، باقرها و رضاها به دنیا آمدند.

لذا بقای این دینی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درست کرد با ذریه اوست. بقای دین خدا با ذریه رسول الله است. امروز برکت انقلاب و از وجود نازنین امام و رهبری معظم انقلاب و فردا هم که جهان «يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا» خواهد شد به دست ذریه پیامبر اتفاق خواهد افتاد. راه‌سازی را پیامبر انجام داد اما راه‌داری را ذریه او انجام می‌دهد و اگر دیگران هستند ممد و ممهد و کمک‌کار هستند.

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سیدهادی خسروشاهی

سر دبیر: سید محمود خسروشاهی

نشانی: قم / خیابان شهدا (مصفائیة) / نبش ممتاز

تلفکس: ۳۷۷۴۱۴۲۳ صندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

سایت‌های مرکز

مرکز بررسی‌های اسلامی: www.iscq.ir

استاد خسروشاهی: www.khosroshahi.org

کلیه شروق: www.ketab.ir/shorough

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

می‌گوید جامعه باید فکرش ارتقا یافته و توسعه فکری بیابد و حاکمیت باید ابزار رشد فکری جامعه را فراهم کند.

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی تصریح کرد: حاکمیت باید کاری کند که جامعه‌ای از درون متعالی شود. از نظرایشان چهل به معنای بی‌سواد نیست بلکه مقابل بی‌عقلی است. جامعه نباید بی‌عقل باشد و روز به روز خرافات باید کمتر شود. مراد از تادیب در این فراز دو معنای ادب کردن و فرهنگ‌سازی می‌تواند داشته باشد.

وی افزود: مراد امام(ع) از تادیب کردن آن است که حکومت باید جامعه‌ای با فرهنگ بسازد تا توسعه یابد. البته معنای اول در فلسفه هگل مد نظر است که در آن دولت باید به زور مردم را آگاه کند. اگر تادیب به معنای تنبیه و ادب کردن باشد حاکمیت می‌تواند به اجبار مردم را به سوی علم ببرد، اما مراد در این فراز فرهنگ‌سازی است که مردم خود به سوی علم بروند.

وی تصریح کرد: اگر اختیاریان را به دولت بدهیم تا به زور مردم را به سوی علم و خروج از جهل ببرد، در این صورت دولت اختیار آن را هم خواهد داشت که فرهنگ و علم را معنا کند. امروز در جمهوری اسلامی چنین شده است، حکومت اول فرهنگ را خود تعریف کرده و بعد آن را اجبار می‌کند. اگر دولت قرار باشد که با گفتمان عقل جمعی فرهنگ را تعریف کند نه فقط آنچه مصلحت خودش است، در آن صورت نمی‌تواند اجباری در کار باشد.

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی با بیان اینکه امام علی(ع) می‌گوید من باید موانع توسعه فرهنگی را بردارم که علم مردم فراتر برود، گفت: نتیجه این حکومت است که سطح فکر مردم بالاتر رفته است. در کشورهای شرقی بهترین تکنولوژی‌ها به وجود آمد اما اخلاق زیر پای آن له شد چون حاکمیت فرهنگ منتج از گفتمان جمعی به جامعه تزریق نکرده است.

وی ادامه داد: این فراز را می‌توان با تفسیر فرازی از آیت الکرسی همراه کرد. خداوند در فراز پایانی آیت الکرسی تفاوت حکومت مشروع و غیرمشروع را در همین می‌داند. خداوند حکومتی را مشروع و خدایی می‌داند که در آن مردم روز به روز از تاریکی به سوی نور می‌روند و مدام به نور می‌رسند اما حکومت طاغوت که نامشروع است و در جای دیگر قرآن اشاره شده است که مورد پرستش مردم بوده و قدسی است، مردم را مدام از نور به ظلمت می‌کشاند.

آیت‌الله محقق داماد در پایان گفت: ممکن است کسی بپرسد تکلیف ما چیست؟ اگر عضو جامعه‌ای باشیم که روز به روز افول می‌کنیم چه کار باید بکنیم؟ قرآن می‌گوید اگر نفهمیم، بی‌گناهییم و عذرمان پذیرفته است. در آیه‌ای عجیب در قرآن در سوره نساء برخی در پاسخ به فرشتگان اخذ جان می‌گویند که ما در زمین مستضعف بوده‌ایم، خداوند به ایشان می‌گوید مگر زمین خدا وسیع نبود که مانند و نادان تر شدید و چنین عذری مقبول خداوند نخواهد شد.

امام علی علیه السلام و مردم صاحب حق

در میراث اسلامی نیز بحث احکام وضعیه و احکام تکلیفیه است که به این مباحث به صورت مبسوط پرداخته است. بعد از تئوری حقوق بشر، قضیه بالعکس شد، یعنی حق حیات منتزع از حرمت قتل نبود بلکه حرمت قتل ناشی از حق حیات بود. قبلاً همه قانون‌شکنی‌های تعدی به فرامین پادشاه بود اما بعد از حقوق طبیعی و حقوق بشر این طور شد که اگر شما به حیات کسی تجاوز کنید، خطاکارید چون به حق کسی تجاوز کرده‌اید و مجازات نیز از این رو باید اعمال شود. بنابراین حق و تکلیف در ارتباط با هم هستند و تنها جای آن‌ها تغییر یافته است. به نظر می‌رسد امام علی(ع) نیز اولویت را به حق می‌دهند.

وی تصریح کرد: کتاب نهج‌البلاغه در دوران آل بویه توسط سید ادیب بزرگوار به نام سیدرضی نوشته شده است. دانش اصلی سیدرضی ادبیات عرب بود، از این رو همو دیوانی دارد به نام دیوان شریف رضی که اگر کسی آن را خوب بخواند یکی از بهترین ادیبان عرب خواهد شد. همین فصاحت و بلاغت او باعث شده است که دشمنان مولا این اتهام را مطرح کنند که سیدرضی خود این کتاب را نوشته است. در این جا نباید جایگاه ابن ابی‌الحدید و محمد عبده را فراموش کرد، این دو سنی بزرگوار به کاری عظیم مبادرت کردند. ابن ابی‌الحدید و عبده شرح‌هایی به این کتاب شریف نوشتند. در این زمان نیز انتشار کتاب اسناد نهج‌البلاغه در ۴ جلد کاری بسیار عظیم و مهم است و البته باز هم می‌توان در جهت تقویت اسناد این کتاب کار کرد. وی ادامه داد: اگر از من به عنوان طلبه معارف این کتاب بپرسید می‌گویم این کتاب غیر از فصاحت و بلاغت، معرفی‌کننده حقوق عمومی اسلامی است. اگر کسی بخواهد بداند حقوق عمومی اسلامی چیست باید مسلط به نهج‌البلاغه باشد.

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی تصریح کرد: بیشتر نامه‌های این کتاب خطاب به والیان حضرت امیر است. همچنین ۱۰۰ حکمت و خطبه‌های بسیاری در این کتاب است که در دوران خلافت و یا پس از رحلت نبی اکرم(ص) ثبت شده است. در این کتاب امام(ع) می‌فرماید که من چگونه حکومت می‌کنم و مردم چه رابطه‌ای با من دارند. زیباترین فرازهای این کتاب در خصوص تکلیف نیست، بلکه در خصوص حق است. محقق داماد با بیان اینکه در نهج‌البلاغه به صراحت مردم صاحب حق معرفی شده‌اند، گفت: من خیلی می‌خواستم تا فردی چون «لاک» بداند

در کشور فقیر مصر برخی کتب ۱۸۰ هزار تیراژ دارند

می‌کنند، ولی اینجا یک استاد را بازنشسته می‌کنند! یعنی چه که کشور ما از نظر علمی باید مثل نیجریه و کشورهای آفریقایی شود؟!

رئیس هیئت‌مدیره انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ایران در پاسخ به این پرسش که آیا می‌توان به رنسانس جدیدی در عالم اسلام امید داشت؟ گفت: به آینده امیدوار هستم، به علت اینکه نسل جدید بعد از انقلاب بیشتر علاقه‌مند به علم، دانش و اندوختن علوم مربوط به فرهنگ، تمدن و مذهب اسلام است.

محقق تأکید کرد: باید به میراث اصیل گذشته خود توجه کنیم، مثل ترجمه‌های کتاب‌های یونانی. بعضی‌ها با یک جمله زشتی می‌گویند مأمون فلسفه یونانی را به عالم اسلامی آورد که در خانه آل محمد علیه‌السلام را ببندد! مگر خانه آل محمد با ۴ تا کتاب یونانی، سریانی و سانسکریت بسته می‌شود؟! الآن که در اربعین بچه‌ها و جوانان را می‌بینیم که پای پیاده در خانه آل محمد می‌روند.

وی در بخش دیگری از این برنامه در تعریف یک فیلسوف واقعی گفت: کسی است که بتواند آن تفکر فلسفی خودش را وارد عمل کند که مردم

ایکنا: نشست «ابعاد حقوق بشر در نهج‌البلاغه» با سخنرانی آیت‌الله سیدمصطفی محقق داماد، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی در بنیاد نهج‌البلاغه برگزار شد.

آیت‌الله محقق داماد در آغاز سخنانش گفت: برخی معتقدند که حقوق بشر آفریده مغرب زمین در قرن ۱۷ میلادی با طرح مسئله حقوق طبیعی است. حقوق طبیعی لازمه ذات بشر و بدون اینکه مشروط به توافقی با دیگران باشد وجود دارد و به هر انسانی در هر زمان و مکان تعلق می‌گیرد. وی افزود: طرح حقوق طبیعی توسط «لاک» صورت گرفت. «لاک» معتقد بود نمی‌شود حقوق طبیعی را به کسی داد و یا از کسی گرفت و لازمه بشریت بشر وجود این حقوق برای اوست. ما قوانین دیگری را داریم که براساس توافقی اجتماعی هستند و اینها متفاوت از حقوق طبیعی‌اند و باید مورد توافق همگان باشند.

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی ادامه داد: دوره حق‌مداری یا پذیرش حقوق طبیعی آغاز شد. حقوق طبیعی غیر از قانون طبیعی است. قانون طبیعی نزد اصول ما همان مستقلات عقلیه است، اصولی است که به عقل انسان از نظر عقل بودن حاکم است. قانون عقلی یعنی در طبیعت بشر وجود دارد. حقوق طبیعی حقوق انسان به ما هو انسان است و این با قوانین طبیعی عقل متفاوت است.

استاد محقق داماد تصریح کرد: برای مثال اگر بشر حق حیات و آزادی دارد، این غیر از قوانین طبیعی ناشی از طبیعت عقل است. بشر اینجا یعنی یک موجود آزاد. انتقاداتی به حق طبیعی شد، برای مثال «جرمی بنتام» می‌گفت که حق بدون تکلیف معنا ندارد و برای مثال حق حیات یعنی دیگران مکلف هستند تا کسی را نکشند. در حقوق سنتی و پیش از حق‌مداری و نظریه حقوق طبیعی اولویت با تکلیف بود.

وی با بیان اینکه من نظر میانی دارم، گفت: هم «لاک» و هم «بنتام» جنبه‌هایی از حقیقت را دارند. تا قبل از تئوری حقوق طبیعی، حقوق از تکالیف انتزاع می‌شدند و اصل تکلیف بود. به موجب تکلیف آدم کشی ممنوع بود و حق حیات از آن منتزع می‌شد.

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی تصریح کرد: همه حقوق در دوران پیش از حقوق طبیعی از تکالیف انتزاع می‌شدند. یکی از زیباترین مباحث

ششمین قسمت برنامه تلویزیونی «شوکران» با دکتر مهدی محقق، ادیب و مجتهد از شبکه چهار سیما روی آنتن رفت.

وی در ابتدای این برنامه گفت: نظام علمی ما نظام غیروپایا است. به علت اینکه از فرنگی‌ها یاد گرفتیم درس‌ها را واحدی کنیم. درحالی‌که در مدارس قدیم هر درسی اعم از فقه، اصول و بلاغت را هر روز معلم درس می‌داد و الآن هم در حوزه‌های علمیه به همین کیفیت است و آن روش قدیم خیلی بارورتر بود تا روش جدیدی که ما از اروپایی‌ها گرفتیم.

این استاد بازنشسته دانشگاه اظهار داشت: چندین سال در مدرسه علمیه نواب معمم بودم و هر روز چشم‌مان به استاد‌های مان می‌افتاد و ارتباط ما، ارتباط پدر و فرزند بود، ولی در نظام جدید می‌بینیم شاگرد می‌خواهد یک سؤال از استاد بکند، استاد می‌گوید من وقت ندارم و رها می‌کند! علم در چنین محیطی زاینده‌گی پیدا نمی‌کند.

محقق با انتقاد از قانون بازنشستگی اجباری اساتید بالای ۶۵ سال گفت: در اروپا تا وقتی‌که استاد خودش می‌تواند درس بدهد ولو اینکه با ویلچر او را به دانشگاه بیاورند از او استفاده